

■ کنش کنونی احمد مسعود در ارسال تقاضانامه‌هایی التماس‌گونه به آمریکا و فرانسه برای یاری گرفتن از ایشان کنشی کاملاً اشتباه و زمینه‌ساز برای فتنه‌گری‌های آمریکا است.

پندار شکست‌ناپذیری آمریکا هنوز بر ذهن بسیاری از مردم غرب آسیا سنگینی می‌کند؛ اما حقیقت این است که این قدرت پوشالین در افغانستان به شکلی فضاحت‌بار متحمل شکست شده است. «عاموس یادلین» از چهره‌های امنیتی رژیم صهیونیستی (رئیس سابق امان) خروج آمریکا از افغانستان را یک شکست فاحش اطلاعاتی نامیده است.

«عبدالباری عطاوان» احساس رعب صهیونیست‌ها از تکرار چنین سرنوشتی را برای خود صهیونیست‌ها به بحث گذاشته است. کیسینجر درک نکردن مقامات آمریکایی از ضرورت همراهی اهداف استراتژیک و سیاسی را عامل این شکست خفت‌بار دانسته است. فوکویاما این شکست را پایانی بر سال‌های هژمونی آمریکا خوانده و ۹۰ ژنرال بازنشسته آمریکایی در نامه‌ای خواهان استعفای لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا و مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور به دلیل نقش‌آفرینی در «خروج فاجعه‌بار» آمریکا از افغانستان شده‌اند و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا (جوسپ بورل) در آستانه نشست ویژه وزرای دفاع کشورهای عضو اتحادیه تصریح کرد، حوادث افغانستان از جمله تحولاتی است که تاریخ را تکان داد. پس باید توجه کنیم خروج و در واقع اخراج آمریکا از افغانستان یک حقیقت مسلم سرنوشت‌ساز در تاریخ جهان است و نباید بگذاریم جریانی با توسل به دروغ تئوری‌های «توهم توطئه» این حقیقت را کمرنگ کند.

### جنگ داخلی و فعال‌سازی داعش

دور از ذهن نیست که آمریکا با ایجاد مشکلاتی، نظیر شعله‌ور کردن جنگ داخلی و فعال کردن تروریست‌های داعش و... به فتنه‌گری دست بزند و سعی کند از شکست فعلی یک پیروزی در آینده بسازد؛ اما این امری است علی‌حده که جداگانه باید رصد و خنثی شود و نمی‌تواند پیروزی‌های حاصل شده تا این لحظه را مخدوش کند. پیروزی اخراج قوای ناتو از افغانستان و از بین بردن طرح گسترده‌سازی داعش در افغانستان (داعش خراسان) اموری هستند که بی‌اندازه بر تعیین ژئوپلیتیک امروز و آینده سیاسی جهان مؤثرند و نمی‌توان از کنار آن به سادگی عبور کرد و باید آنچه تا کنون موجب این پیروزی‌ها شده، حفظ و تقویت شده و با همین عامل پیروزی سعی کرد سرنوشت بهتری برای مردم منطقه رقم زد.

طالبان که تنها نیروی واقعی مبارزه با آمریکا و نیز با داعش در افغانستان بود، با درس گرفتن از خطاهای گذشته و با تلاش در تعامل بهتر با توده‌های مختلف مردم افغانستان از هر قوم و مذهبی و با فرستادن پیام‌های مثبت به کشورهای ضدآمریکایی (روسیه، چین، جمهوری اسلامی ایران و...) توانست فضایی برای برگزاری نشست‌های مختلف و فعالیت سیاسی بیشتر برای خود باز کند. کشورهای یاد شده نیز از اخراج آمریکا و جلوگیری از فتنه داعش استقبال می‌کردند؛ از این رو با انجام هزاران کنش پیچیده سیاسی، امنیتی و اقتصادی در نهایت آمریکا و داعش در افغانستان شکست خوردند.

آقای کابلوف (دستیار ویژه پوتین در امور افغانستان) با صراحت پیروزی‌های طالبان در شمال افغانستان را به نفع روسیه دانست؛ چرا که مدعی شد طبق اسناد قطعی، داعش در این منطقه با حمایت آمریکا فعالیت کرده و تنها طالبان است که با آن مبارزه می‌کند؛ پس این پیروزی‌ها به نفع روسیه نیز هست.

### جنگ روایت‌ها؛ طالبان یا داعش؟

اما طالبان واقعاً چه کسانی هستند و فرق طالبان و داعش در چیست؟

باید گفت، اساسی‌ترین نکته در اینجا تفاوت در ایدئولوژی این دو گروه است که اولی گروهی حنفی و برخاسته از میان سنت‌های جامعه افغانستان است و دومی گروهی وهابی و وارداتی و مصنوعی است، به همین دلیل جنگ‌های سختی نیز میان طالبان حنفی و داعش وهابی در افغانستان رخ داده است (از جمله در درزاب و تورابورا) و در روزهای اخیر هم وقتی طالبان به زندان‌ها می‌رسیدند و زندانیان را آزاد می‌کردند؛ اما ابو عمر خراسانی، سرکرده داعش خراسان را در انتقام از کشته شدگان خود به دست داعش، تیرباران کردند.

در اندیشه طالبان جایی برای تکفیر باورمندان به زیارت و شفاعت وجود ندارد و خود اهل پرداختن به چنین اموری هستند. اساساً پشتون‌ها در طول تاریخ خود با سنت‌های صوفیانه نزدیکی زیادی داشته‌اند و چهره‌های بزرگ عرفانی و ادبی در میان ایشان؛ (مانند سایر اقوام افغانستان) همواره ثناگوی اهل بیت(ع) نیز بوده‌اند و طالبان نیز که بیشتر رهبران آن از پشتون‌ها هستند، در چنین محیطی پرورش یافته و لذا باورها و عملکرد ایشان (ناسازگاری) جدی با باورها و عملکرد داعش دارد. هرچند در سالیان گذشته چهره‌های تکفیری، نظیر عبدالمنان نیازی هم به طالبان نزدیک شده بودند؛ اما رفته رفته این افراد یا از طالبان جدا شدند یا از این گروه اخراج شدند و برخی مانند عبدالمنان نیز که با حمایت دولت کابل و آمریکا با طالبان می‌جنگیدند، در نهایت از طریق طالبان حذف شدند.

همین نوع رویکرد طالبان سبب شد در سال‌های اخیر (به ویژه ۲۰۱۰ به بعد) اختلاف‌هایی جدی میان طالبان و عربستان سعودی ایجاد شود و برخلاف سال‌های حکومت طالبان رابطه‌ای خوب میان این دو برقرار نباشد. گفتنی است، در ایران یک جنگ

شناختی سخت پیرامون خط فکری و سیاسی و عملکرد طالبان جریان دارد و با فضاسازی‌های غیرواقعی مانع از دیدن واقعیات جامعه افغانستان می‌شود.

توثیقات غیرمسئولانه برخی افراد در مورد مباح اعلام شدن خون مردم هرات و ... از جمله پایه‌های همین جنگ شناختی هستند. این جنگ شناختی هدفی جز پوشاندن حقیقت شکست آمریکا، پوشاندن جنایات آمریکا در افغانستان و بالا بردن هزینه ایجاد روابط عادی با دولت آتی افغانستان برای ایران، روسیه و چین ندارد. اکنون پس از بیست سال مقاومت بخشی از مردم افغانستان به پیروزی رسیده و در پرتو ایجاد ثبات و آرامش و امنیت، دولت‌های بزرگ منطقه می‌توانند در درازمدت با راه‌اندازی شبکه‌های بزرگ ریلی و ترانزیتی به اقتصاد منطقه تکانی بدهند و حتی جایگاه دلار را به شدت کاهش دهند، پس مشخص است که اکنون جنگ شناختی شدت گیرد و آمریکا و اذنان آن تلاش کنند با پمپاژ اخبار دروغ و فیلم‌های نادرست به افکار عمومی شکل داده و مانعی بر سر راه رقبات جهانی و منطقه‌ای خود ایجاد کنند. با توجه به معادن ارزشمند افغانستان، خود این کشور نیز می‌تواند در درازمدت در اقتصاد آسیا نقش مهمی ایفا کند و به همین دلیل باید مراقبت شدیدی نسبت به فتنه‌گری‌های آمریکا و طمع آن نسبت به جغرافیای حساس و سرزمین غنی افغانستان داشت.

### چالش‌های فردای افغانستان

به نظر می‌رسد، کنش کنونی احمد مسعود در ارسال تقاضانامه‌هایی التماس‌گونه به آمریکا و فرانسه برای یاری گرفتن از ایشان کنشی کاملاً اشتباه و زمینه‌ساز برای فتنه‌گری‌های آمریکا باشد؛ چرا که با شعله‌ور شدن جنگ داخلی، دست آمریکا بار دیگر برای هرکاری در افغانستان باز می‌شود و می‌تواند از کشته شدن نفرات ضدآمریکایی زیادی در دو سوی جبهه بهره ببرد، داعش را بر لب مرز چین و سایر نقاط گسترش دهد و به رقبات خود لطمه بزند و در نهایت منجی‌گونه به این کشور برگردد؛ اما درباره مردم افغانستان که در سه قرن پیاپی ۱۹، ۲۰ و ۲۱ به ترتیب بریتانیا، شوروی و ایالات متحده آمریکا را شکست داده و از خاک خود اخراج کرده‌اند، امید می‌رود که در آینده هم این مردم جایی برای بازگشت استعمارگران به کشور خود نگذارند.

مردم افغانستان که سال‌ها جنایت آمریکا، رشوه‌گیری‌ها و فساد دولتی گسترده (که کاخ‌های عجیب ژنرال‌ها و سیاسی‌ها از نتایج آن بود)، فساد اجتماعی و اخلاقی در شهرها و گرفتار شدن چند میلیون نفر به دام اعتیاد و ... را شاهد بوده‌اند، باید با صلحی سراسری به فکر مرهم نهادن بر زخم‌های بسیار خود و سرزمین‌شان باشند و راه را بر فتنه‌ها ببندند. یکی از خطرهای چاه‌هایی که بر سر راه این موضوع وجود دارد، نیاز شدید افغانستان به دریافت کمک‌های خارجی در کوتاه‌مدت است که اگر کشورهای منطقه با یک صندوق بازسازی مشترک آن خلأ را پر کنند، احتمالاً شرایط آرامش و حسن همجواری میان کابل و تهران مشاهده خواهد شد؛ اما اگر چنین نشود و برای نمونه عربستان سعودی با دستی پر از پول به میدان بیاید، ممکن است مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی به وجود آید، خاصه آنکه اکنون ترکی الفیصل، نماینده ویژه عربستان سعودی در امور افغانستان انتخاب شده است و او سعی خواهد کرد یا طالبان را به عربستان نزدیک کند یا اگر نشد به ایشان لطمات زیادی وارد کند. آمریکا هم در سال‌های اشغال ده‌ها سازمان مردم نهاد و ان‌جی‌اوی مشکوک دایر کرده و ممکن است آنها را در کنار ابزار مالی، به ابزاری برای فشار آوردن به طالبان در جهت به کرسی نشاندن حرف‌های زور و زیاده‌خواهانه آمریکایی‌ها تبدیل کند. همچنین به نفع آمریکاست که رهبران بزرگ و معتدل طالبان کشته شوند و افراد ضعیف‌تر یا اساساً افراد وابسته به غرب به جای آنها و بر مسند آنها بنشینند. پایان سخن اینکه طبق فرموده رهبر معظم انقلاب، ما طرفدار ملت مسلمان و مظلوم افغانستان هستیم و روابط ما با دولت‌ها، به روابط و رفتار آنها با ایران بستگی خواهد داشت.